بیش از ۴۰ درصد تحصیلکرده‌های دانشگاهی، به امید یافتن شغل سراغ مراکز فنی و حرفه‌ای می‌روند / عکس: ایرنا

نهضت ضدبیکاری

نهضت مهارت‌افزایی می‌خواهد ائتلافی اجتماعی برای مقابله با بی‌مهارتی و بیکاری راه بیندازد

مریم خباز
جامعه

نرخ بیکاری در کشورمان روی عددهای درشتی می‌چرخد، این عدد در استان البرز ۱۴ درصد است، در لرستان و چهارمحال و بختیاری بالای ۱۶ درصد، در هرمزگان ۱۵/۹ درصد، در کرمانشاه ۱۴ درصد و در کرمان و یزد بیش از ۱۲ درصد، بقیه استان‌ها نیز کمی پایین‌تر از اینها. آمارهای کشوری به این ترتیب وقتی یك کاسه می‌شوند آمار ملی بیکاری به دست می‌آید که در بهار امسال ۱۰/۸ درصد را نشان می‌دهد. بیکاری نزدیك به ۱۱ نفر در هر صد نفر نیروی آماده کار تقریبا بحران است. موضوع وقتی به جوان‌ها و آمار ۲۷ درصدی بیکاری‌شان می‌رسد نیز می‌شود خودِ خود بحران. این که بیش از ۴۰ درصد تحصیلکرده‌های دانشگاهی، شاید از زور بیکاری و به امید یافتن شغل، آخر و عاقبت می‌روند سراغ مراکز فنی و حرفه‌ای و در مسیر مهارت‌آموزی قرار می‌گیرند نیز چالشی است بزرگ‌تر که سیستم آموزش عالی را یکسره زیر سوال می‌برد.

همه اینها را که با هم جمع کنیم نیاز به شغل و البته مهارت‌آموزی که لازمه مقابله با بیکاری است عیان می‌شود، به اندازه‌ای که شاید لازم باشد حتی بسیجی ملی در این باره شکل بگیرد. البته مدتی است در جلسات وزارت کار، در برخی مراسم و بعضی تریبون‌هایی که وزیر کار سخنران است، همچنین در سازمان فنی و حرفه‌ای کشور و تعاملات مقامات دولتی با هم، سخن از نهضت مهارت‌افزایی در میان است، نهضتی که البته کمتر برای مردم عادی تبیین شده و کمتر کسی درباره‌اش توجیه است، نهضتی که قاعدتا اگر چرخ‌هایش به حرکت درآید همین بسیج ملی شکل خواهد گرفت؛ بسیجی ضدبیکاری و بی‌مهارتی.

ائتلافی علیه بیکاری و فقر

آدم‌های فقیر معمولا بیکارند، بیکارها هم قاعدتا افراد فقیری هستند. رابطه فقر و بیکاری طوری است که این دو را برای هم علت و معلول یا لازم و ملزوم کرده که در کنارهم یك دور باطل و یك زنجیره معیوب می‌سازند. دنباله بیکاری و فقر را هم که بگیریم معمولا به آدم‌های بی‌مهارت برمی‌خوریم، به آدم‌های بی‌تخصص درهر زمینه ای. درست در همین‌جاست که گفتن از نهضت مهارت افزایی حرفی با مسما می‌شود و معنی پیدا می‌کند؛ موضوعی که مدتی است وارد ادبیات دولتی‌ها شده است.

از سلیمان پاك‌سرشت، رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای کشور که درباره این نهضت و رویایی که در سر می‌پرورد سوال کردیم، او چکیده آن را در یك ترکیب چند کلمه‌ای خلاصه کرد و گفت: ائتلافی است اجتماعی برای بالا بردن سطح مهارت افراد جامعه. در توضیح مفصل‌تر اما شرح داد که نهضت مهارت‌افزایی، تکاپویی همگانی و مشارکت‌جویانه است که از یك سو بنگاه‌های اقتصادی فعال در کشور را به این سمت سوق دهد که امکاناتشان را درخدمت آموزش‌های مهارتی قرار دهند و شریك دولت در حوزه مهارت‌آموزی شوند و از سوی دیگر خیران و سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی را ترغیب کند که اگر تا امروز منابع مالی‌شان را صرف درمان زخم‌های آسیب‌دیدگان اجتماعی می‌کرده‌اند از این پس این منابع را در حوزه مهارت‌آموزی صرف کنند که نوعی اقدام پیشگیرانه در آسیب‌های اجتماعی است.

پاك‌سرشت می‌گوید رسیدن به این نقطه یك پروژه اجتماعی است که اقدامی جمعی می‌خواهد و لازمه‌اش دست به دست هم دادن دستگاه‌های دولتی و بنگاه‌های اقتصادی و همه فعالان اجتماعی و ائتلاف‌شان حول این عقیده است که اگر افراد با آموختن یك مهارت توانمند شوند، دیگر در سیکل ناامیدکننده فقر و آسیب‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرند.

این نهضت البته فعلا در حد یك گفتمان رایج در طبقه حاکم است و تا به لایه‌های زیرین اجتماع برسد و تبدیل به فرهنگ عمومی شود نیاز به زمان و همت دارد، همچنین نیاز به برخی الزامات که هنوز در کشورمان مهیا نیست و اگر هست هنوز نیم‌بند است.

الزامات نهضت مهارت‌افزایی

می‌گوید حتما دیده‌اید، شاید هم خودتان به کسی گفته باشید که اگر درس نخوانی باید بروی دنبال کار و این جمله را چنان بد گفته‌اید و بد گفته‌اند که انگار کارکردن چیز بدی است. مصطفی آذرکیش، مدیرکل دفتر آموزش‌های کارودانش وزارت آموزش و پرورش مصاحبه‌اش با ما را با این جملات آغاز کرد و خواست با این ادبیات به ما نشان دهد که فرهنگ کار در جامعه‌مان مقدس نیست. او توضیح داد که اگر نهضت مهارت‌افزایی قرار است در کشورمان شکل بگیرد و به نتیجه برسد ابتدا باید این مشکل فرهنگی حل شود و جایگاه و شأن کار و کارگر تقویت شود.

آذرکیش اما گام دوم را تعامل بین دستگاهی می‌داند، مدینه فاضله‌ای که البته در کشورمان تقریبا در هیچ حوزه‌ای به طور کامل و موثر وجود ندارد. او می‌گوید اگر این تعامل به وجود بیاید هرگونه آموزش مهارتی متناسب با نیاز بازار کار تعریف می‌شود و میان عرضه و تقاضا توازن شکل می‌گیرد. گام سوم برای تحقق نهضت مهارت‌افزایی اما از نظر او تدوین و تصویب قوانین حمایتی و ایجاد مشوق‌هایی است برای این‌که افراد برای ورود به رشته‌های مهارتی و ماندن در آنها انگیزه پیدا کنند، مشوق‌هایی مثل اعمال اولویت‌های اشتغال برای افراد ماهر یا تسهیلات دوره سربازی برای نیروهای با مهارت.

پاك سرشت:
ترغیب خیران و سمن‌های اجتماعی به این که اگر تا امروز منابع مالی‌شان را صرف درمان زخم‌های آسیب‌دیدگان اجتماعی می‌کرده‌اند، از این پس این منابع را در حوزه مهارت‌آموزی و توانمندسازی افراد صرف کنند یکی از اهداف نهضت مهارت‌افزایی است

این الزامات که مدیرکل دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش به آنها اشاره می‌کند، البته دو سال است که مورد تاکید قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی قرار گرفته و از این پس فقط کافی است به مرحله عمل برسد. این قانون که آبان سال ۹۶ به تصویب مجلس رسیده و یك ماه بعد توسط رئیس‌جمهور ابلاغ شده، ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و اخلاق حرفه‌ای همچنین آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص متناسب با نیازهای بازار کار امروز و فردا و کمك به تولید ثروت و کاهش فقر از طریق توانمندسازی نیروی کار و در نتیجه خوداشتغالی و کاهش بیکاری را در اولویت اهدافش قرار داده، کلید واژه‌ها و الزاماتی که البته به صرف زیبا و جذاب بودن به نتیجه نمی‌رسد و به قول آذرکیش فقط در شرایطی به جریان ملی مهارت‌آموزی تبدیل می‌شود که به قول رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای این الزامات به شکل‌گیری یك اتئلاف اجتماعی حول محور مهارت‌آموزی منجر شود.

جالی خالی رصد صلاحیت‌های حرفه‌ای

زندگی+

به گواه آمارهای رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای کشور از پارسال تا امسال ۱۰۲ هزار و ۱۲۳ نفر از روستاییان و عشایر کشور به همراه ساکنان مناطق محروم مرزی از آموزش‌های مهارتی بهره‌مند شده‌اند، همچنین ۷۰ هزار نفر از مستمری بگیران بیمه بیکاری تحت آموزش‌های مهارتی قرار گرفته‌اند، در این مدت ۶۷ هزار سرباز وظیفه نیز همین آموزش‌ها را دریافت کرده‌اند، بیش از ۳۱ هزار دانش‌آموز دوره متوسطه که ساکن مناطق محروم بوده‌اند نیز تحت پوشش ۲۹۰ مهارت قرار گرفته‌اند.

این آمارها با این که از یك جنبه مثبت است، ولی به این دلیل که کمتر از ۳۰۰ هزار نفر را دربرمی گیرد آمار کوچکی محسوب می‌شود. این‌که چه میزان از این آموزش‌ها به مهارت واقعی و عمقی در افراد تبدیل شده و این‌که چند درصد افراد آموزش‌دیده به واسطه این مهارت‌ها موفق به یافتن شغل یا راه‌اندازی کسب و کار شده‌اند و چند درصدشان به معنی واقعی کلمه، نیروی کار ماهر شده‌اند نیز نامشخص است، در حالی که اگر قرار است نهضت مهارت‌افزایی به عنوان شاه‌کلید برون‌رفت از معضل بیکاری و فقر و آسیب‌های اجتماعی در نظر گرفته شود، باید به رصد این موضوعات نیز بپردازد تا نه فقط آموختن یك مهارت بلکه صلاحیت‌های حرفه‌ای و مهارتی مدنظر باشد.

سکوت سیاستگذاران در برابر پیری جمعیت

زینب دهقانی

صدای کهنسالی جمعیت به گوش می‌رسد، در حالی که از سوی دغدغه‌مندان این حوزه، برنامه و سیاستگذاری خاص و مشخصی برای عبور از این بحران ارائه نمی‌شود. آیا مورد غفلت قرار دادن موضوع این‌چنین حیاتی و اساسی برای پیشرفت کشور طبیعی است؟ واقعا چه باید کرد؟ مگر نه این است که راه حل این مساله ازدواج و فرزندآوری صحیح و به موقع و به‌طور کلی سیاستگذاری دقیق و مشخص در حوزه جمعیت است؟ پس چرا عملا راهکاری در این‌باره ارائه نمی‌شود؟

آمار منتشر شده حاکی از آن است که شیب منفی رشد جمعیت و نرخ سالمندی در کشور به سرعت رو به افزایش است. با ادامه روند موجود و طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته طی حدود ۳۰ سال آینده نرخ باروری به حد جانشینی نخواهد رسید. با اندکی تأمل می‌توان علت‌های اصلی این وضعیت را مساله باروری و ازدواج دانست. طبق گفته تاج‌الدین، عضو هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس، بیش از ۱۱ میلیون جوان ایرانی سن ازدواج را رد کرده‌اند.

همچنین به گزارش مرکز آمار ایران، میانگین سن ازدواج از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ در دختران از ۱۹ به ۲۳ و در پسران از ۲۴ به ۲۷ سال افزایش یافته است. در نتیجه افزایش سن ازدواج، فرصت باروری و فرزندآوری برای خانواده‌ها محدود شده، به‌طوری‌که میانگین فرزند به ازای هر زن به ۱/۷ رسیده است.

از طرفی رویکردهایی در جامعه شکل گرفته است که این بحران را مغفول قرار داده یا آن را انکار می‌کند. این افراد بالا رفتن سن ازدواج برای دختران را از شاخص‌های توسعه یافتگی می‌دانند و معتقدند ازدواج و مادر شدن زنان عاملی بر عدم پیشرفت و عقب‌ماندگی آنهاست.

واضح است ترویج و فراگیر شدن این نگاه، با تأثیر مستقیمی که بر مساله ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری دارد، چه آسیب‌های فاحشی بر پیکره جمعیت و بنیان خانواده وارد می‌کند. آسیب‌هایی همچون رشد قابل توجه آمار تجرد قطعی، محدودیت فرصت فرزندآوری خانواده‌ها و درنتیجه کاهش جمعیت و شیوع پدیده آشیانه‌های خالی.

جمعیت، از عوامل اساسی برای پیشرفت یك کشور است. در حال حاضر و با ادامه روند موجود خطراتی همچون سالمندی و بحران بازنشستگان آینده کشور را به‌طور جدی تهدید می‌کند.

طبیعتا اگر این مساله مورد بررسی و سیاستگذاری قرار نگیرد کشور در سال‌های آتی با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی متعدد مواجه می‌شود.

بنابراین باید برنامه‌ها و قوانین حمایتی جدیدی در حوزه ازدواج و باروری وضع شود؛ در این راستا می‌توان به قوانینی در راستای رفاه مادران و حمایت از حقوقشان و طرح‌های تشویقی برای ازدواج به هنگام اشاره کرد.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#زیرگذر ـ فیروزکوه
زندی از شیرگاه:
خروجی جاده فیروزکوه به شیرگاه به علت سرعت بالای خودروها و نداشتن زیرگذر بسیار خطرناك است و احتمال بروز تصادف را زیاد کرده است.

#مسکن ـ سیاست
فلاح از تهران:
وزیر محترم مسکن و شهرسازی به‌جای فعالیت‌های عملی در راستای بهبود وضعیت مسکن، اعلام کرده خانه نخرید تا قیمت‌ها شکسته شود! آیا تنها راه‌حل ایشان نخریدن است؟

#مسکن ـ شوک
علیخانی از شیراز:
چرا مسؤولان علت گران شدن مسکن را وزیر قبلی و ناکارآمدی وی می‌دانند؟ مگر مقصر سه برابر شدن مصالح ساختمانی که در نتیجه گرانی ارز و شوك اقتصادی به‌وجود آمد، ایشان بود؟

#میرداماد ـ ترافیک
زینلی از تهران:
ترافیك سنگین در لاین کندروی میرداماد به علت مسدود کردن رمپ روبه‌روی مترو و توقف تاکسی‌ها در این محدوده، باعث کلافگی شهروندان شده است. شهرداری اقدامی عاجل نماید.

#نساجی ـ واردات
شریعتی از قائمشهر:
با توجه به ظرفیت بالای کارخانه‌های نساجی کشور و سال رونق تولید، این کارخانه‌ها با ۳۰ درصد توان مشغول به کارند و واردات بیش از اندازه محصولات نساجی باعث ورشکستگی این کارخانه‌ها شده است.

#شهرک ـ بهشتی
قاسمی از تهران:
از شهرداری منطقه ۱۴ درخواست می‌شود تا نسبت به نصب پل هوایی در ورودی جدید شهرك بهشتی اقدام عاجل کند تا شرکت اتوبوسرانی نیز هر چه زودتر روبه‌روی این محل، ایستگاه اتوبوس جدید احداث کند.

#شارژ ـ مترو
جمعی از شهروندان:
شرکت متروی تهران اخیرا رسید شارژ کارت اعتباری را در صورت درخواست مسافران به ایشان ارائه می‌دهد؛ این در حالی است که در صورت دریافت نکردن این رسید، مسافر محترم هیچ اطلاعی از مبلغ شارژ شده ندارد و در صورتی که اشتباهی در شارژ انجام شده رخ دهد، آیا مسؤولان گیت شارژ، اشتباه خود را قبول می‌کنند؟